

# فکرهای تازه

با اجازهی بهار  
چشم غنچه باز شد  
قطره‌ای بر او چکید  
صورتش چه ناز شد

با اجازهی بهار  
رخت شاخه تازه شد  
شاخه عطر تازه زد  
بر تن و لباس خود

با اجازهی بهار  
فصل هر ترانه شد  
صد پرنده میهمان  
بر درخت خانه شد

با اجازهی بهار  
تازه شد جهان من  
فکر تازه ای شکفت  
در نگاه و جان من

زهرا عراقی

افسانه مهدیان‌فر

